

عنوان مقاله:

تحلیل بینامتنیت از منظر ژولیا کریستوا در کتاب مقدس و ده فرمان کریستف کیشلوفسکی بررسی موردی داستان ده فرمان و اپیزود اول ده فرمان

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

محمدرضا رسولی - دانشجوی کارشناسی ارشد سینما، دانشگاه تهران

پریسا کیومرثی - کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

بینامتنیت یکی از مباحثی است که قدمتی طولانی در پژوهش های هنری ندارد. بینامتنیت از آن دست مباحثی است که به دلیل تازگی در موضوع، مورد اقبال صاحب نظران قرار گرفته است. یکی از کسانی که نظرات وی در زمینه ی بینامتنیت مورد توجه قرار گرفته است، ژولیا کریستوا است. کریستوا در بدو به وجود آمدن بینامتنیت آن را نسبت به سایر نقدهای ادبی تمییز داد. از این رو در خلال این پژوهش از نظرات وی استفاده خواهد شد. ده فرمان حضرت موسی در کتاب مقدس، قوانینی است که شالوده ی تفکر یهودی راتشکیل داده است. این فرامین در طول تاریخ، بستری مناسب برای اقتباس های ادبی و هنری فراهم آورده است. یکی از کسانی که از این فرامین برای خلق اثر هنری در سینما استفاده کرده است، کریستف کیشلوفسکی است. وی سریالی با نام ده فرمان در ده قسمت، با الهام از ده فرمان حضرت موسی را ساخته است. این پژوهش ابتدا بینامتنیت را تعریف می کند، سپس به نظرات ژولیا کریستوا می پردازد. بعد از آن به سراغ کتاب مقدس و ده فرمان حضرت موسی خواهد رفت و در نهایت با بررسی بینامتنیت میان ده فرمان حضرت موسی با اپیزود اول سریال ده فرمان کیشلوفسکی به این نتیجه خواهد رسید که آیا کیشلوفسکی در خلق این اثر از تاثیر و تاثر به صورت قدیمی استفاده کرده است یا با توجه به نظر کریستوا دست به ساخت اثر هنری زده است

کلمات کلیدی:

بینامتنیت، ژولیا کریستوا، کتاب مقدس، ده فرمان، کریستف کیشلوفسکی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/900185>

